پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۸ پاییز ۱۴۰۱

No.48 Fall 2022

۸۸-۶۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

اصول انتظام شکلی سردر ورودی خانه در معماری گذشته بر پایه سه نظریه روانشناسی محیط (مطالعه موردی سه خانه سنتی شاخص در شهر مشهد)

➢ **مریم بیرجندی‌نژاد:*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشکده خاوران، مشهد، ایران

➢ **امین عبدمجیری:** استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه قم، ایران (a.abdemojiri@qom.ac.ir)

چکیده

ورودی و تأثیرات آن بر روان انسانی ازجمله مباحث موردتوجه در حوزه پژوهش‌های معماری است. بخشی از این مطالعات به مبحث اصول هندسی آن اشاره دارند که عموماً به تناسبات و روابط ریاضی‌گونه میان اجزاء برمی‌گردد، اما در این پژوهش هدف آن است که هندسه و شیوه انتظام شکلی ورودی از دید روانشناسی محیط و چگونگی ادراک آن موردتوجه قرار گیرد. به‌عبارت‌دیگر، تأثیرات هندسه احجام و اشکال سردر ورودی خانه‌های سنتی بر ادراک افراد از دید روانشناسی محیط پرسش اصلی این پژوهش است. پاسخ به این پرسش علاوه بر درک نحوه تأثیرگذاری بر حالات روانی افراد، اهداف اصلی از طراحی آن‌ها را نیز در این بعد مشخص می‌کند. بدین منظور، با توجه به شاخصه‌های معماری سنتی و توانمندی‌هایی که عموماً برای آن ذکر می‌شود، در این پژوهش از مطالعه بر سردرهای ورودی خانه‌های سنتی مشهد بهره گرفته شد. بر این اساس، ابتدا با یافتن مشخصه‌های مهم در تأثیرات هندسه محیط بر روان انسان از منظر سه نظریه مطرح در حوزه روانشناسی محیط (روانشناسی سازشمند و تبادلی، روانشناسی رفتارگرایی و روانشناسی گشتالت)، مؤلفه‌های موردنظر در بررسی نمونه‌ها به دست آمد. پس از آن با تحلیل این موارد نتایج حاصل به‌صورت مجموع موردبحث قرار گرفت که جمع‌بندی آن‌ها نتایج تحقیق را در بر دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، محرمیت، پرهیز از پیچیدگی، زیبایی به دور از جزییات زیاد و همخوانی با بافت پیرامون از اصول موردتوجه در طراحی هندسی سردر ورودی خانه‌های سنتی مشهد محسوب می‌گردد.

واژگان کلیدی: روانشناسی محیط، خانه‌های سنتی مشهد، ادراک، هندسه

Abstract

Input and its effects on the hhxuman psyche are among the topics of interest in the field of architectural research. Some of these studies refer to the issue of its geometric principles, which generally refers to mathematical proportions and relationships between components. However, in this study, the aim is to consider the geometry and method of input form regulation from the perspective of environmental psychology and how it is perceived.
In other words, the effects of the geometry of volumes and shapes of the entrance of traditional houses on people's perception from the psychological point of view of the environment is the main question of this research. The answer to the question, in addition to understanding how it affects people's mental states, also identifies the main goals of their design in this dimension. For this purpose, according to the characteristics of traditional architecture and the capabilities that are generally mentioned for it, in the present study, a study was used on the entrance entrances of traditional houses in Mashhad. Based on this, first, by finding important characteristics in the effects of environmental geometry on the human psyche from the perspective of three theories in the field of environmental psychology, namely adaptive and exchangeal psychology, behavioral psychology and Gestalt psychology, Came. After analyzing these cases, the results were discussed as a whole, which summarizes the results of the research. Based on the findings of this study, privacy, avoidance of complexity, beauty away from many details and compliance with the surrounding texture are among the principles considered in the geometric design of the entrance of traditional houses in Mashhad.

Keywords :Environmental psychology, traditional houses of Mashhad, perception, geometry

***نویسنده مسئول مکاتبات:** (maryambirjandi@ymail.com)

مقدمه

ازجمله مباحثی که برای بسیاری از پژوهشگران عرصه معماری جذاب می‌نماید هندسه در معماری است. این موضوع به‌ویژه در عرصه بناهای سنتی طرفداران بیشتری دارد. عموماً در میان تفکرات حاکم بر جامعه معماری و روش‌هایی که برای رسیدن به یک معماری مطلوب وجود دارد، ارجاع به گذشته نیز سهم بسزا و قابل‌توجهی را به خود اختصاص داده است (نوروزی و شایسته، ۱۳۹۲: ۲۵). در نظر ایشان معماری سنتی ایران متکی بر اصول و ارزش‌های والایی بوده که عده‌ای ریشه آن را در اعتقادات معنوی ایرانیان می‌دانند (ایمانی، ۱۳۹۳: ٦۵). شاید به همین سبب است که مباحثی چون هندسه مقدس در برخی نظریات موردتوجه قرارگرفته است. به‌صورت متناظر نیز عموم منابع به نمادین بودن هندسه اشاره داشته‌اند و در ادامه هم به شاخه‌هایی چون هندسه طلایی پرداخته‌اند (اردلان، ۱۳۷۹: ۲۵). توجه ریاضی‌گونه به هندسه سبب به میان آمدن اعداد و ارقام مختلف شده است. مثلاً برخی از عدد ۱\٦۱۸ در تناسبات طلایی نام‌برده‌اند (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۱۹۵) و در منبعی دیگر عدد ۱\۷۳ را تناسبات طلایی معماری ایران دانسته‌اند (پور احمدی، ۱۳۹۰: ۷۰). بااین‌وجود، مباحثی از این قبیل بیشتر از جنبه ریاضی‌گونه به هندسه در معماری می‌پردازند و به‌عنوان‌مثال در حوزه تأثیرات روانی، ورود محدودی دارد. این در حالی است که آرامش-بخشی معماری سنتی را صرفاً از دید عدد نمی‌توان بررسی کرد. رابطه انسان و محیط رابطه‌ای دو سویه است. هر دو به‌نوعی بر هم تأثیرگذارند و از هم متأثر می‌شوند. «الگوی رویدادهایی را که بر زندگی در بناها و شهرها غالب است، نمی‌توان از فضاهایی که در آن رخ می‌دهد، جدا کرد» (الکساندر، ۱۳۸٦: ٦۱) محیط اطراف ما تأثیر بسزایی بر احساس و رفتار ما دارد (شمس اسفندآباد، ۱۳۹۳: ۵). انسان، بسته به ارزش‌های فرهنگی محیط خود، به برخی فضاها، محرک‌ها و رویدادها معنی می‌بخشد و متناسب با آن‌ها رفتار می‌کند. شناخت، توصیف و تبیین رفتار انسان به درک رابطه محیط و رفتار کمک می‌کند و درک نقش محیط ساخته شده در زندگی مردم نیازمند فهم و درک ماهیت انسان است. «محیط و رفتار آن‌قدر درهم‌تنیده شده‌اند که به‌سختی می‌توان آن‌ها را از هم تفکیک کرد. رفتار را نمی‌توان مستقل از رابطه درونی آن‌ها با محیط درک کرد، رفتار را باید در بستری محیطی تعریف کرد» (آلتمن، ۱۳۸۲: ۲۵۲).

در بحث هندسه، در عموم منابع به بیان اصول هندسی و ترسیمات فیثاغورثی پرداخته شده است و همچنین در موضوعات روانشناسی محیط بیان نظریات و تشریح آن‌ها موردتوجه بوده است، اما در هیچ‌یک از پژوهش‌های ذکرشده اصول هندسی از دید فرد ناظر و احساس او با دیدن احجام و قرار گرفتن در کنار آن‌ها موردبررسی قرار نگرفته است. از این‌رو، در پژوهش حاضر بحث هندسه از دید روان‌شناسی محیطی موضوع اصلی است که به آن پرداخته خواهد شد. بخش قابل‌توجهی از ارزش‌های معماری سنتی را می‌توان در عرصه مسکن مشاهده نمود. مسکن یکی از مهم‌ترین فضاهای معماری است که به‌عنوان خصوصی‌ترین فضای زندگی انسان رابطه مستقیم با او برقرار می‌کند (مسائلی، ۱۳۸۸: ۳۴) و درنتیجه مطمئناً نوع تأثیرات روانی که بر ساکنین می‌گذارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خانه، پیوندی پرمعنا با مکانی است که می‌تواند هر یک از سطوح مختلف محیط زندگی خصوصی و عمومی را در بر بگیرد (پاکزاد، ۱۳۸٦: ٦۰). همین امر لزوم پرداختن به خانه و الزامات آن را بیشتر می‌نماید. قدر مسلم در چنین شرایطی طراحی خانه‌ها بدون توجه به شرایط کیفی و روانی هندسه مورد استفاده به بی‌راهه کشیده می‌شود. آرامش‌بخشی خانه‌های سنتی مبحث جدیدی در مطالعات معماری نیست و در موارد بسیاری برای یافتن نمونه و الگویی مناسب در بررسی احساس آرامش‌بخشی، معماری سنتی انتخاب بسیاری از پژوهشگران معماری می‌باشد. دلیل این امر را نیز برتری نسبی این حس در این خانه‌ها دانسته‌اند (هاشمی، ۱۳۹٦: ۱۰). از این‌رو، با کشف اصولی که در خانه‌های سنتی زمینه آرامش‌بخشی را فراهم می‌آورد، می‌توان مسیر جدیدی در شناخت و طراحی خانه‌های مناسب‌تر برای زندگی امروزی پیمود.

در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از نظریه‌های روانشناسی محیط نحوه انتظام هندسی سردر چند نمونه خانه سنتی و تأثیرات روانی آن موردبررسی قرار گیرد. البته این تحقیق در خصوص سایر ابعاد و فضاهای نمونه‌ها نیز صورت گرفته است که با توجه به محدودیت این نوشتار صرفاً به

بخش مذکور از خانه‌های موردمطالعه محدود شده است. در این حالت هدف پژوهش آن است تا با سنجش اشکال و خطوط هندسی سردرهای ورودی بر اساس معیارهای به‌دست‌آمده از سه نظریه منتخب روانشناسی محیط بتوان اصول انسجام دهنده این فضا را در معماری موردمطالعه به دست آورد. بدین منظور سردر سه خانه قدیمی در بافت قدیمی مشهد انتخاب و مؤلفه‌های تحلیلی بر روی آن‌ها بررسی شدند. در منابع روانشناسی محیط پنج نظریه کلی مطرح هستند که شامل روانشناسی عمقی، روانشناسی رفتارگرا، روانشناسی گشتالت، روانشناسی تبادلی و سازشمند و روانشناسی بوم‌شناختی (اپتیکی) می‌باشند. با توجه به محدودیت‌های روش تحقیقی در دو رویکرد روانشناسی عمقی و روانشناسی بوم‌شناختی و اولویت حضور عینی در بررسی رفتار اجتماعی فضا در زمان خود، در این پژوهش سه نظریه روانشناسی رفتارگرا، روانشناسی گشتالت و روانشناسی تبادلی و سازشمند، به‌عنوان محورهای بررسی سردرها انتخاب شدند. از این‌رو، در ابتدا توضیح مختصری در خصوص سه نظریه مطرح در حوزه روان‌شناسی محیطی به میان آمده و سپس بر اساس آن‌ها تحلیل سردر ورودی خانه‌های منتخب ارائه خواهد شد.

روش پژوهش

مهم‌ترین مسئله در انجام تحقیق حاضر، یافتن مؤلفه‌های صحیح در تحلیل هندسه نمونه‌ها است. بدین منظور، ابتدا در عرصه مبانی نظری سعی شد با مطالعه و شناخت دیدگاه‌های مختلف از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات در عرصه روانشناسی محیط نظریه‌های شاخص و مؤلفه‌هایی که به‌صورت معمول در این نظریه‌ها موردتوجه است جمع‌آوری گردد و سپس با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا موردبررسی قرار گیرد. بر این اساس، سه نظریه شاخص انتخاب و مؤلفه‌ها به‌صورت واضح تدوین شد. در ادامه با آزمون این نظریه‌ها در نمونه اولیه میزان کارایی و متقن بودن مباحث سنجیده شد. پس از انجام اصلاحات اولیه مجدداً تحلیل‌های موردنظر با واکاوی اصول انتظام در سردرهای انتخاب‌شده موردبررسی قرار گرفت. با توجه به نوع نگاه این پژوهش و صورت‌مسئله آن، نمونه‌ها از مساکن سنتی موجود در شهر مشهد انتخاب شدند که پس از تهیه فهرست اولیه با همکاری سازمان میراث فرهنگی، برمبنای میزان سلامت فضا، خوانایی ساختار کلی محیط پیرامون و امکان بررسی حضوری سه نمونه انتخاب شدند که عبارت بودند از خانه داروغه، خانه توکلی و خانه ناظران که در اواخر قاجار و اوایل پهلوی ساخته شده بودند. نتایج حاصل از این تحلیل‌ها بر مبنای اطلاعات و یافته‌های سایر تحقیقات اعتبارسنجی شدند که نشان از همخوانی و تائید ایشان داشت و البته در این تحقیق با نگاهی دقیق‌تر موردبررسی قرار گرفتند.

پیشینه پژوهش

در زمینه بحث‌های هندسه در بناهای سنتی ایران کتب فراوانی وجود دارد که تنها در رابطه با ترسیمات هندسی و نحوه اجرای طاق‌ها و عناصر دیگر بناهای قدیمی اطلاعاتی بیان داشته‌اند. زهره بزرگمهری در کتاب *هندسه در معماری* مفصلاً به این مباحث پرداخته است. همچنین در کتاب *بررسی کاربرد هندسه در معماری گذشته ایران دوره اسلامی* اثر بهزاد مولوی به تعریف‌هایی از هندسه، هندسه ترسیمی، هندسه ترکیب و موارد چنین اشاره شده است. هدف این کتاب معرفی و شناخت بهتر هندسه گذشته ایران بوده و به بیان ترسیمات متفاوت و هندسه کاربردی پرداخته است. همچنین کتابی مانند *خشت خیال* اثر کامبیز نوایی و کامبیز حاجی قاسمی، به بیان اصول و قواعد استخراج‌شده هندسه در معماری گذشته ایران مانند تقارن، تکرار و غیره پرداخته است و نمونه موردی‌های زیادی همراه با عکس و پلان و نما موردبررسی قرار داده و در رابطه با کاربرد تزیینات (گچ‌بری، آجرکاری و مصالح دیگر) نیز اطلاعاتی در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. کتاب *سبک‌شناسی معماری ایران* اثر محمد کریم پیرنیا، سبک‌های مختلف و اصول معماری ایران را بیان و آن را در آثار این سرزمین موردبررسی قرار داده است.

مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه‌های هندسه و روانشناسی محیط باعث شناخت بیشتر و بهتر نسبت به موضوع موردبررسی می‌شود. مطالعه این پژوهش‌ها به‌عنوان یک منبع، زمینه مناسبی برای یافتن ارزش فرضیهٔ پیشنهادی پژوهش موردبررسی بود. در کتاب *اصول کلی روانشناسی گشتالت* اثر رضا شاپوریان، به بررسی پنج اصل روانشناسی گشتالت پرداخته شده است. همچنین خطاهایی که در ادراک به وجود می‌آید و راه‌حل‌هایی برای درک درست فضا

از طریق اصول روانشناسی گشتالت ارائه شده است. کتاب *روانشناسی محیط*، از حسن شمس اسفندآباد نیز ابتدا به مباحث روانشناسی محیط و بیان ماهیت و تاریخچۀ آن پرداخته است و نحوه‌ی اثرگذاری آن را بر فرد توضیح می‌دهد. *روانشناسی محیط و کاربرد آن*، از شهناز مرتضوی به بیان مفاهیم روانشناسی محیط، نظریه‌های مختلف آن و همچنین بیان عوامل مؤثر دیگر در تعبیر و تفسیر اطلاعات محیطی می‌پردازد. فرانسیس تی مک اندرو در کتاب *روانشناسی محیطی*، ابتدا به شناخت محیطی پرداخته و عوامل تأثیرگذار بر محیط بیان کرده است و در انتها نیز به مباحث ادراک و نظریه‌های ادراک پرداخته است. قاسم مطلبی در کتاب *روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری* به معرفی روند ایجاد روانشناسی محیط، ارتباط آن با طراحی محیط و مفاهیمی در روانشناسی محیط اشاره دارد.

عقیل امامقلی در کتاب *روانشناسی محیطی، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری*، بیشتر به بحث‌های علوم رفتاری پرداخته است و از روانشناسی محیط به‌عنوان یک زبان مشترک برای درک معماری و حوزه علوم رفتاری یاد می‌کند. او همچنین روابط بین افراد را زبان معماری و طراحی محیط دانسته است. در تمامی کتب و مقالات مذکور بیشتر به تفسیر محیط و روانشناسی محیط و در بعضی دیگر به بررسی نظریه‌های مربوط به آن‌ها و در بخش هندسه نیز به ترسیمات هندسی پرداخته شده و در هیچ‌کدام تأثیر اشکال هندسی و چگونگی ادراک فرمی آن‌ها در فرد ناظر موردبررسی قرار نگرفته است که در پژوهش پیش رو این موضوع موردبررسی قرارگرفته است. خلاصه‌ای از موارد موردبررسی پیشینه تحقیق را می‌توان در جدول ۱ مشاهده نمود.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

نویسنده	عنوان	سال	صورت‌مسئله	روش تحقیق	نتایج
در حوزه هندسه					
بهزاد مولوی	بررسی کاربرد هندسه در معماری گذشته ایران (دوره اسلامی)	۱۳۸۱	معرفی و شناخت هندسه ترسیمی در گذشته ایران	گردآوری اطاعات	دستیابی به چکیده‌ای از مطالب در رابطه با هندسه گذشته و همچنین ترسیمات هندسی
محمدرضا بمانیان	کاربرد هندسه و تناسبات در معماری	۱۳۸۹	دستیابی به حس معنایی هندسه	گردآوری اطاعات	بیان حس معنایی هندسه و به اصول اصلی در هندسه و تعاریف ابتدایی آن
کامبیز نوایی	خشت و خیال	۱۳۹۰	عوامل تأثیرگذار در طراحی خانه‌های سنتی ایران	گردآوری اطاعات تحلیلی-توصیفی	بررسی عوامل تأثیرگذار در چیدمان پلان‌ها و نماهای خانه‌های سنتی ایران و تحلیل جزء‌به‌جزء آن‌ها
محمد کریم پیرنیا	سبک‌شناسی معماری ایران	۱۳۹۲	هندسه در معماری گذشته ایران	گردآوری اطاعات	بیان جزء‌به‌جزء اصول هندسی و معرفی سبک‌های مختلف معماری در بازه‌های مختلف تاریخی
در حوزه روانشناسی محیط					
قاسم مطلبی	روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری	۱۳۸۰	معرفی روند ایجاد و گسترش روانشناسی محیطی و ارتباط آن با طراحی کالبد	گردآوری اطاعات	بیان کاربرد چند مفهوم شاخص در روانشناسی محیطی
عقیل امامقلی	روان‌شناسی محیطی، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری	۱۳۹۱	رابطه انسان و محیط و قابلیت ترجمه آن به زبان طراحی محیط و معماری	گردآوری اطاعات	قلمداد کردن، روانشناسی محیطی عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری

رضا شاپوریان	اصول کلی روانشناسی گشتالت	۱۳۸۶	اصول روانشناسی گشتالت و تأثیر آن بر ادراک	گردآوری اطاعات	بررسی پنج اصل روانشناسی گشتالت و استفاده از آن‌ها برای ادراک درست و دقیق‌تر محیط
حسن شمس اسفند آباد	روانشناسی محیط	۱۳۹۳	تأثیرات روانشناسی محیط	گردآوری اطاعات	بیان ماهیت و تاریخچه روانشناسی محیط و نحوه اثرگذاری آن بر ادراک انسان
شهناز مرتضوی	روانشناسی محیط و کاربرد آن	۱۳۸۰	تأثیر روانشناسی محیط بر افراد و بازخورد حسی افراد از محیط	گردآوری اطاعات	بیان نظریه‌های مختلف روانشناسی محیط و عوامل تأثیرگذار دیگر در فهم فضا
فرانسیس تی مک اندرو	روانشناسی محیطی	۱۳۹۲	عوامل تأثیرگذار بر ادراک	گردآوری اطاعات	بیان مسئله شناخت محیط و همچنین پرداختن به نظریه‌های ادراک
Tabaeian، Seyedeh Marzieh	A Study of the Perspectives of Architecturale and Environmental Psychology (Theoreticians Psychologists)and	۲۰۱۱	طراحی فضای فیزیکی بر اساس ویژگی‌های رفتاری افراد	توصیفی_تحلیل	استفاده از علوم رفتاری و روان‌شناسی محیطی برای ارتباط عمیق‌تر بین معمار و مردم

مبانی پژوهش

بررسی تأثیرات روانی محیط بر انسان ازجمله مباحثی است که عموماً علم روانشناسی محیط بدان می‌پردازد. روانشناسی محیطی، شاخه‌ای از روانشناسی است که به مطالعه و تحلیل تعاملات و تقابلات تجارب و کنش‌های انسان با جنبه‌های مختلف محیط اجتماعی-فیزیکی توجه دارد. برخی دیگر، روانشناسی محیطی را حیطه‌ای از روانشناسی می‌دانند که به فراهم کردن رابطه نظام‌مند بین شخص و محیط می‌پردازد .همچنین این علم نظریه‌های گوناگون را در ارتباط با تأثیر محیط بر انسان و چگونگی ارتباط و تعامل بین محیط کالبدی و تجربه انسان خلق کرده و سؤالات مناسب را در این ارتباط مطرح ساخته است. این عامل محققین را قادر می‌سازد پژوهش‌های تجربی متناسب با تئوری‌های تجربی را که حاصل مشاهدات رفتاری انسان در محیط روزمره و بوم است به‌گونه‌ای تدوین نمایند تا بتواند مورد استفاده طراحان قرار گیرند. (مطلبی، ۱۳۸۰: ۵۹). مکاتب مختلفی در زمینه روانشناسی محیط وجود دارد. مکاتبی چون روانشناسی بوم‌شناختی (اپتیکی) جیمز گیبسون، روانشناسی سازشمند و تبادلی، روانشناسی عمقی، روانشناسی رفتارگرایی و روانشناسی گشتالت (امامقلی، ۱۳۹۱: ۲۷؛ مطلبی، ۱۳۸۰: ۵۶) که توضیح مختصری از آن‌ها در زیر ارائه شده است.

روانشناسی سازشمند یا تبادلی: درجایی که روانشناسی گشتالت بر الگوهای ادراکی و هم‌ریختی بین شکل و تجربیات ادراکی محیطی با فرایند شکل‌گیری نظام عصبی در انسان علاقمند است، روانشناسی سازشمند تجربه انسان از محیط و ارتباط متقابل انسان و پیرامونش را مبنا قرار داده و ادراک را مانند فرایندی سازشمند بین مشاهده‌گر و محیط موردبررسی قرار می‌دهد. روانشناسی سازشمند تجربه انسان از محیط و ارتباط متقابل انسان و پیرامونش را مبنا قرار داده و ادراک را مانند فرایندی سازشمند بین مشاهده‌گر و محیط موردبررسی قرار می‌دهد (مطلبی، ۱۳۸۰: ۵۶).

روانشناسی رفتارگرایی: این رویکرد نگاهی علمی و سیستمی به موضوعات رفتاری دارد که قابل‌اندازه‌گیری و مشاهده هستند. محیط به‌عنوان مجموعه‌ای از محرک‌ها، در رابطه با پاسخ‌های ارائه شده از سوی ارگانیزم، موردبررسی قرار می‌گیرد. در این مکتب رفتار را در قرارگاهی مصنوعی موردمطالعه قرار می‌دهند و در طرح‌های اجرایی از محیط به‌عنوان محرک یا درونداد مورد استفاده قرار می‌گیرند و پاسخ‌هایی را که به‌صورت برونداد دریافت می‌دارند،

موردسنجش قرار می‌دهند. «محدودیت‌های این پژوهش این مکتب سرچشمه می‌گیرند موجب می‌شوند شرایط محیطی موردپژوهش قرار نگیرد» (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۲۸).

روانشناسی گشتالت: «روانشناسی گشتالت مکتب یا نظریه‌ای است که پدیده روان‌شناختی را کلیتی تجزیه‌ناپذیر می‌داند» (کپس، ۱۳۸۹: ۴۴) در این مکتب، پدیده‌ها و رویکردهای مرکب، ازجمله رفتار را نمی‌تواند به اجزاء متفاوت تقسیم کند. پژوهشگران مکتب گشتالت بیش از دیگر مکاتب به شرایط محیط توجه دارند آن‌ها دریافتند که یک فرد علاوه بر اینکه ابتدا به‌کل موضوع توجه می‌کند، در ادامه اجزای تشکیل‌دهنده آن را درک و روابط موجود بین اجزاء را هم کشف می‌کند. گشتالت کلیتی مادی یا روانی است که اجزای آن به‌طور منفرد فاقد چنان مختصاتی هستند. «روان شناسان گشتالت باور داشتند که انسان‌ها تمایلی ذاتی دارند تا دنیای پیرامون خود را تا حد امکان ساده سازمان دهند» (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۳)

در کنار این سه رویکرد دو رویکرد دیگر نیز مورد اشاره قرارگرفته است. نظر زیگموند فروید مؤسس مکتب روانشناسی عمقی یا روانکاوی، بر این است که رفتار انسان تحت تأثیر غریزه‌های «عشق و زندگی-مرگ و نیستی» قرار می‌گیرد. امیال جنسی از «بن» یا «نهاد» سرچشمه می‌گیرند و زمانی که به «من» که در سطح نیمه هشیاری و هشیار قرار دارد راه نیافته‌اند، به‌طور ناهشیار باقی می‌مانند. «خود» یا «من» نمایانگر واقعیت‌های جهان خارج است. جهان خارج شامل ابعاد فیزیکی و اجتماعی است (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۷) بااین‌وجود تحقیق در قالب نظریه روانشناسی عمقی، لزوم بررسی زمینهٔ اجتماعی و فرهنگی زمان استفاده از بناهای موردتحقیق را ایجاب می‌کند که طیف گسترده‌تری از تحقیقات را طلب می‌کند و در این مجال قابل پرداختن نیست. همچنین در منابع دیگر به‌صورت مختصر از رویکردی به نام روانشناسی بوم‌شناختی (اپتیکی) یادشده است (مرتضوی،۱۳۸۰: ۲۵) که با توجه به‌اختصار مطالب در منابع روانشناسی در دسترس نمی‌توان تکنیک‌های تحلیلی آن را در تحلیل معماری به کار برد و البته خود می‌تواند موضوع تحقیقی مجزا باشد. از این‌رو تحقیق پیش رو بستر تحلیل خود را بر مبنای سه رویکرد روانشناسی رفتارگرا، گشتالت و روانشناسی سازشمند و تبادلی تعریف کرده است.

از نظر گشتالت‌گرایان مهم‌ترین قوانینی که بر اساس آن‌ها طرح‌های سازمانی ادراک به وجود آمده‌اند، عبارت‌اند از مناسبات «نقش و زمینه»، «قانون مشابهت»، «قانون مجاورت»، «قانون یکپارچگی» و «اصل پیوستگی». همهٔ این قوانین به طریق معینی تحت نفوذ «قانون پرگنانس» (کمال-پذیری) قرار دارند که هسته‌ی مرکزی نظریه ادراکی گشتالت را تشکیل می‌دهد. (شاپوریان، ۱۳۸۶: ۹۴) مکتب گشتالت به‌ویژه در حوزه معماری بیشتر در نظریه‌های ادراک محیط موردتوجه است. نظریه گشتالت در روش‌های نظم بخشیدن به محیط و در طراحی چون زیباشناسی و وحدت فضای معماری هنوز در طراحی محیط استفاده زیادی دارد. در باب هنرهای بصری، «واژهٔ گشتالت در آلمانی هم به معنی شکل و هم به معنی خصوصیت شکل است» (بل، ۱۳۸۲: ۷۲). در قوانین گشتالت، عواملی مانند مجاورت، تشابه، بستگی، تداوم مطلوب، بسته بودن، سطح و تقارن، ادراک فرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (امامقلی، ۱۳۹۱: ۲۹).

جدول ۲: جمع‌آوری مکاتب روانشناسی محیط

مکاتب روانشناسی محیط	دیدگاه	ابزار شناخت
روانشناسی رفتارگرا	محیط به‌عنوان مجموعه‌ای از محرک‌ها، در رابطه با پاسخ‌های ارائه شده از سوی ارگانیزم، موردبررسی قرار می‌گیرد.	محرک‌های ذهنی خود شخص (عوامل محدودکننده رفتار فرد)
گشتالت	ابتدا به‌کل موضوع توجه می‌کند، در ادامه اجزای تشکیل‌دهنده آن را درک و روابط موجود بین اجزاء را هم کشف می‌کند. روان شناسان گشتالت باور داشتند که انسان‌ها تمایلی ذاتی دارند تا دنیای پیرامون خود را تا حد امکان ساده سازمان دهند.	پنج اصل: نقش و زمینه اصل مجاورت اصل مشابهت اصل بستگی

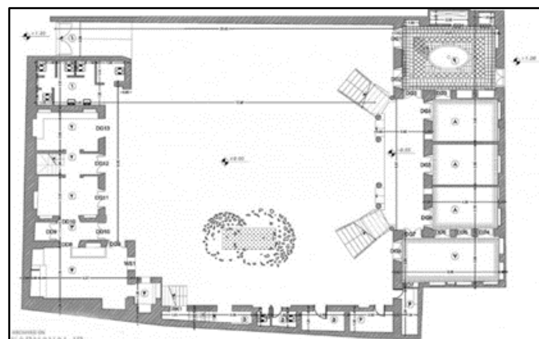
		اصل پیوستگی
روانشناسی سازشمند یا تبادلی	تجربه انسان از محیط و ارتباط متقابل انسان و پیرامونش را مبنا قرار داده و ادراک را مانند فرایندی سازشمند بین مشاهده‌گر و محیط موردبررسی قرار می‌دهد، مانند عوامل محیطی تأثیرگذار بر ذهن فرد.	رنگ‌های ثابت در محیط رنگ‌های متغیر در محیط ارتباط با کوچه نور و سایه

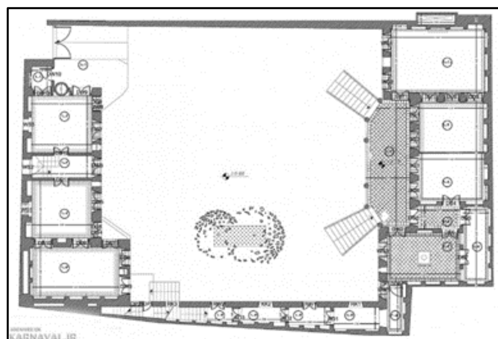
نمونه‌های موردمطالعه

تکنیک‌های برآمده از نظریه‌های مبنا امکان تحلیل نمونه‌های مصداقی را فراهم می‌آورد. لازم به تأکید است که تحلیل نمونه‌ها بر اساس این نظریه‌ها می‌تواند اصول روانشناسی هندسه فضای ورودی را نشان دهد که هدف این پژوهش است.

خانۀ داروغه

خانه داروغه واقع در شهر مشهد، خیابان نواب صفوی، راسته حوض مسگران، کوچه داروغه می‌باشد. این اثر در ۷ مهر ۱۳۸۱ش با شماره ثبت ۶۳۵۷ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (گزارش ثبتی خانه داروغه، ۱۳۸۱) در سه طرف شمالی، جنوبی، شرقی حیاط توده ساختمانی قرار دارد که در دوطبقه شکل‌گرفته‌اند. ورودی این بنا در ضلع جنوبی وجود دارد. در سمت شمالی حیاط یک ایوان زیبا قرار دارد که چهارستون به‌صورت روبه‌رو و متقارن در جلوی ایوان قرار دارد و تا کف حیاط ادامه پیدا است و دارای تزیینات زیبای آجرکاری می‌باشد. در دو طرف ایوان، دو راه‌پله به‌صورت مورب نسبت به بدنه قرار دارد که نرده‌های فلزی ظریف و زیبایی در دو طرف پلکان به چشم می‌خورد. خانه تاریخی داروغه از بناهای ارزشمند دوران میانی سلسله قاجار می‌باشد (جنیدی‌جعفری، ۱۳۹۶: ٦٦) این خانه علاوه بر معماری سنتی ایران دارای نشانه‌هایی از معماری روسیه است که تمام جداره‌های آن را پوشانده است. همانطور که در پلان بنا مشاهده می‌شود، در سه جدارۀ شمال، جنوب و شرق سه توده مسکونی مشاهده می‌شود که بنای شمالی، تابستان نشین، بنای جنوبی زمستان نشین و بنای شرقی فضایی کوچک با عرض کم (راهرو مانند) جهت عبور خدمه بوده است.





تصویر ۱: پلان‌های همکف و طبقه اول خانه داروغه (مأخذ: سازمان میراث فرهنگی)





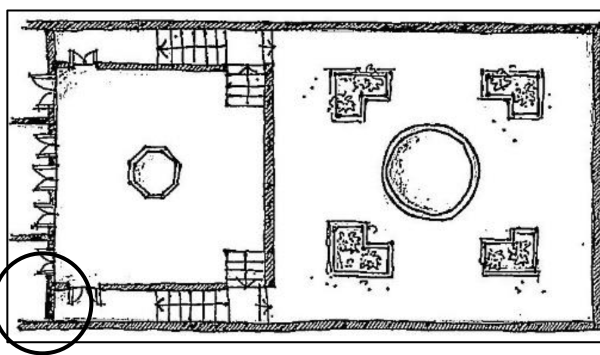
تصویر ۲: تصاویر ورودی خانه داروغه از کوچه (مأخذ: نگارندگان)

تزیینات روی بدنه بسیار ظریف و دلنواز است و از تنوع زیادی برخوردار است، از اشکال و قاب‌های گوناگون با نقش‌های برجسته و آجرکاری‌های بسیار ظریف روی بدنه و بالای دیوارها که همگی جذابیت خاصی به فضا داده‌اند. در سقف ایوان‌ها و همچنین سقف اتاق اصلی (مهمان‌خانه) همگی از چوب کاری‌های زیبایی به رنگ سبز تیره، زرد و قرمز پوشیده است، همچنین بدنهٔ فضای داخلی اتاق‌ها به رنگ آبی کمرنگ می‌باشد که بسیار فضای آرامش بخشی را به وجود می‌آورد. در فضای داخلی فضای زمستان نشین، دو دیوار اصلی آن دارای نقش و نگارها و منبت‌کاری‌های چوبی و نقاشی‌های بسیار زیبا که همگی آن‌ها در تونالیتهٔ سبز می‌باشند پوشیده شده است، همچنین بخاری بسیار بزرگی در سمت دیگر اتاق قرارگرفته که به جذابیت فضا افزوده است.

خانه توکلی

تاریخچه ساخت خانه توکلی به دوران قاجار و به سال ۱۲۲۱ق بازمی‌گردد. این خانه توسط احسان خان قرایی طراحی و ساخته شده است. از بارزترین ویژگی‌های معماری این بنا می‌توان به کاشی‌کاری‌ها و آجرکاری‌های نفیس و ناب آن اشاره کرد. تمام قسمت خانه از در ورودی گرفته تا نمای داخلی و بیرونی خانه با این هنر زیبا مزین شده است. استفاده از ستون‌های آجری در نمای ساختمان و به شکل کاملاً ماهرانه، جلوه‌ای بی‌نظیر و خاص به این بنا داده است. معماری این خانه دوطبقه از نظر بسیاری از متخصصان این حوزه بسیار منحصربه‌فرد می‌باشد. خانه توکلی به دلیل همین ویژگی انحصاری که دارد، هنوز هم موردتوجه بسیاری از معماران داخلی و خارجی است. البته به‌مرور زمان بخش‌هایی از این خانه تخریب، اما خوشبختانه مرمت شده است.

در ورودی این خانه دو کتیبه کاشی‌کاری شده مزین به الفاظ جلاله وجود دارد. در بخش داخلی خانه نیز ارسی‌هایی وجود دارد که فضاهای داخلی را از هم جدا می‌کنند. اتاق‌های این خانه از چوب ساخته‌شده‌اند و در حیاط نیز حوضی زیبا قرار دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های این خانه تاریخی وجود چند درخت تنومند در حیاط و اطراف حوض است. در ورودی این بنا دو کتیبه کاشی‌کاری شده وجود دارد که آیات «انا فتحنا لک فتحا مبینا» و «و ان یکاد» روی آن‌ها حکاکی شده است. فضای داخلی خانه دارای یک حیاط در دو ارتفاع متفاوت می‌باشد که بنایی که در قسمت بالایی حیاط قرار داشته در گذشته تخریب شده است و در حال حاضر تنها فضای زمستان نشین این خانه باقی مانده است.



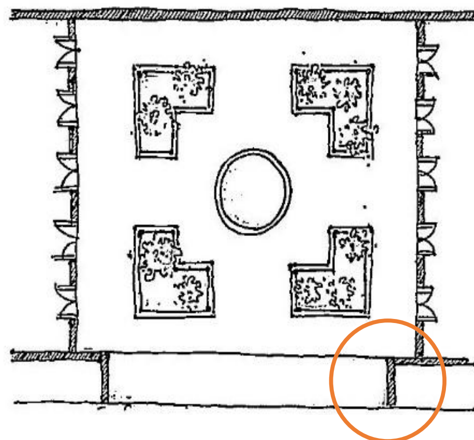


تصویر ۳: سردر ورود خانه توکلی (چپ)، کروکی پلان خانه (راست) (مأخذ: نگارندگان)

خانه ناظران

خانه تاریخی ناظران در ۱۳۸۴ ش به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. تاریخچه خانه قدیمی ناظران و نحوه ساخت آن به اواخر دوران قاجار بازمی‌گردد. خانه قدمتی معادل ۱۰۰ سال دارد و از روی فرم بنا و تشابه آن، به ساختمان‌های دوره قاجار شبیه است. وجه‌تسمیه این اثر از نام فامیلی صاحب آن برداشته شده است. این منزل ابتدا در مالکیت آقای ناظران بود. آقای ناظران رزانی برنج‌فروشی

داشت. وضعیت مالی خوب او و از مساحت زیاد بنا و قرارگیری آن در مکانی مناسب، قابل‌مشاهده است. همچنین منزل کوچکی کنار خانه تاریخی ناظران قرار دارد که قبلاً با این خانه، یکی بود و حالا جدا شده است .این منزل توسط استاد رضایی بنا، در حدود ۱۰۰ سال پیش برای آقای ناظران ساخته شده است. سپس حدود ۳۰ سال پیش توسط آقای انصاری خریداری شد. در حال حاضر این بنا در مالکیت فرزندان آقای انصاری است.





تصویر ۴: پلان و جانمایی ورودی به همراه تصویر نمای داخلی حیاط خانه ناظران (مأخذ: نگارندگان)

مهم‌ترین ویژگی خانه تاریخی ناظران وسعت زیاد و قدمت بالای آن است. از دیگر ویژگی‌های مهم این بنا می‌توان به معماری درون‌گرای آن اشاره کرد. ایوان زیبایی که جلوی اتاق پنج‌دری طبقه دوم، در ضلع غربی خانه قرار دارد نیز فوق‌العاده است. همچنین این فضا قوس‌های کمانی بی‌نظیری دارد که روی ستون هشت‌ضلعی که تا سطح زمین امتداد دارند، قرارگرفته است .تزیینات و مقرنس‌کاری‌های قسمت بالایی بنا خط آسمان زیبایی را ایجاد کرده است. این مورد سبب ایجاد نمایی زیبا و متناسب با بنا شده که نشان از سبک معماری دوره قاجار دارد.

قسمت عیانی بنا، سه طرف حیاط قرار دارد. این بنا دو ورودی دارد. یکی ضلع شرقی بنا و دیگری ضلع جنوبی آن قرار دارد. در حال حاضر ورود و خروج از ضلع شرقی صورت می‌گیرد. ضلع شرقی حیاط و در طبقه دوم، ایوانی جلوی اتاق پنج‌دری وجود دارد که دو ستون بلند، تزیین‌شده (آجرکاری) و دوطبقه جلوی ایوان قرار دارد. سمت جنوب حیاط، بیشترین تعداد اتاق قرار دارد. این ضلع ساختمان تنها ضلعی است که دو راه‌پله به طبقه دوم دارد و راه‌پله سمت چپ نیز به پشت‌بام می‌رسد.

نمای غربی حیاط، دیوار جداکننده منزل همسایه است. قبلاً هر دوی این منازل یکی بوده و این دیوار بعدها کشیده شده است. در همین قسمت یک سکو به ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر قرار دارد که قبلاً کاربری یک نشیمن بزرگ را داشت. ضلع جنوبی حیاط، فقط یک طبقه دارد. این حیاط به‌جز یک اتاق بزرگ سمت چپ، به بقیه درها و انبارهای کوچک باز می‌شده است. البته این بخش در حال حاضر به‌عنوان سرویس بهداشتی مورداستفاده قرار می‌گیرد.

تزیینات این بنا، آجرکاری‌های زیبا بالای پنجره‌ها و قسمت انتهایی نمای ساختمان و سرستون‌ها است. فضاهای مختلف خانه به پیروی از نقشه کلی بنا، عرض یکسان داشته و تنها در طول با یکدیگر متفاوت هستند. در فضاهای بزرگ‌تر که برای نشیمن استفاده می‌شوند، این طول تا ۵ متر نیز می‌رسد. بخش‌های خصوصی‌تر خانه بیش از ۲ متر طول ندارند. فضاهای ارتباطی و پله‌ها نیز طول زیادی را اشغال نمی‌کنند، زیرا ارتفاع پله‌ها زیاد است و به‌صورت پیچ اجرا شده‌اند.

با توجه به هندسه مربع شکل پلان و نحوه قرارگیری فضاها، می‌توان دید که پلان از سه طرف نسبت به حیاط مرکزی خود که نقش مرکز بنا را دارد، متقارن است. معمار این خانه در ساخت بنا، از تناسبات هندسی اصولی و زیبایی پیروی کرده است

یافته‌ها

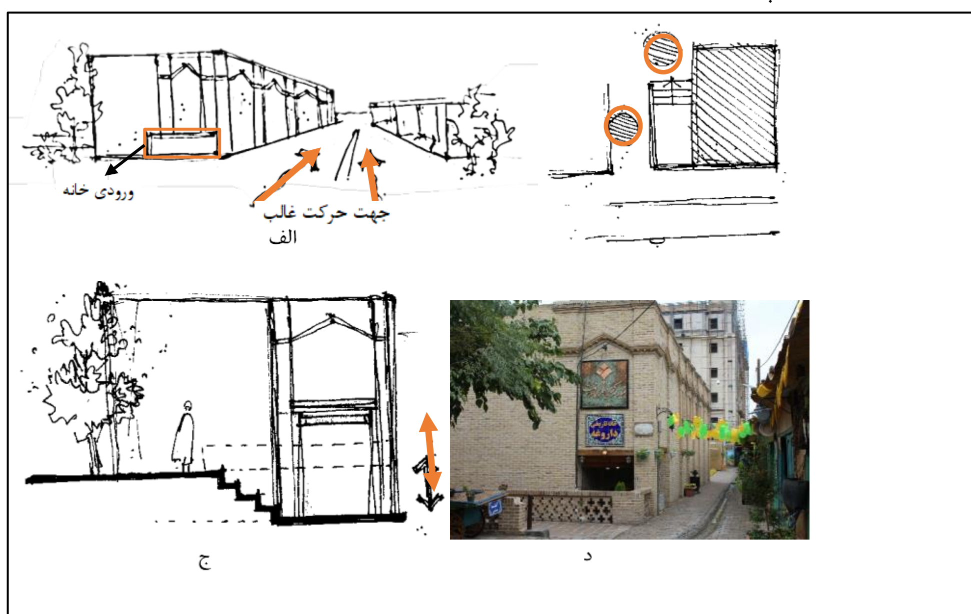
یافته‌ها بر مبنای روانشناسی رفتارگرا

سردر خانهٔ داروغه

در فضای کوچه اصلی، خانه‌ها و مغازه‌ها در دو طرف کوچه-ی اصلی قرارگرفته‌اند و مسیر طولی بلندی را ایجاد کرده‌اند که فرد به هنگام قرارگیری در فضا، تمایل به عبور از فضای باریک و مشخص‌شدهٔ بین مغازه‌ها را دارد. این امر باعث می‌شود توجه و تمایل افراد عابر به فضای ورودی خانه کم شود و حس محرمیت در فضای ورودی افزایش یابد (تصویر الف).

مسیر ورود به خانه از حریم کوچه با کوچه‌ای فرعی و نوعی انحراف جدا شده است که این چرخش در قسمت ورودی باعث ایجاد دو مکث برای رسیدن به داخل خانه شده است، مکث اول در قسمت کوچه‌ی انحرافی و مکث دوم در جلوی راه‌پله‌های ورودی ایجاد شده است (تصویر ب).

فضای ورود از کوچه فرعی به فضای پیش ورودی در خانهٔ داروغه، دارای اختلاف ارتفاع تقریباً زیادی می‌باشد. این اختلاف ارتفاع باعث می‌شود فردی که قصد ورود به فضا را دارد، به هنگام قرارگیری در مقابل پله‌ها برای درک بهتر فضا و همچنین ورود به آن کمی تأمل کند و به‌آرامی وارد فضا شود. چنین حالتی نیز به‌نوبه خود حریم خانه و محرمیت آن را افزایش می‌دهد. (تصویر ج و د).



تصویر ۵ : الف) کوچه اصلی خانه داروغه، ب) توده گذاری خانه داروغه و کوچه فرعی، ج) مقطع فیلتر ورودی خانه داروغه، د) مقطع فیلتر ورودی خانه داروغه (مأخذ: نگارندگان)

سردر خانه توکلی

عرض کوچه به نسبت ارتفاع سردر کم می‌باشد و مقیاس انسانی دارد. به همین خاطر تمایل حرکت کردن در آن بسیار بیشتر از کوچه‌هایی است که مقیاس ماشینی دارند. همچنین کشیدگی کوچه به‌صورت طولی می‌باشد که ایجاد حس عبور در فضای کوچه را افزایش می‌دهد (تصویر الف).

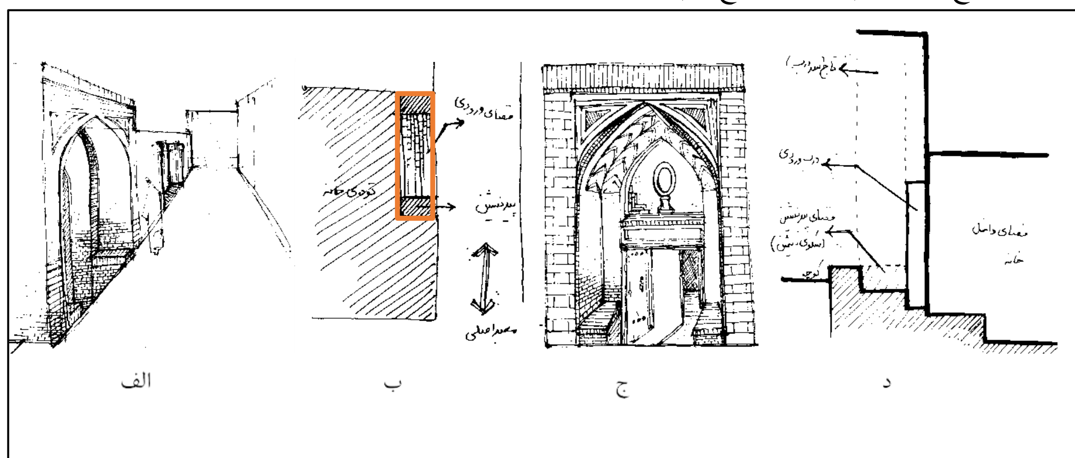
در مسیر کوچه هیچ فضای مکث یا اولویت‌بندی شده‌ای برای ورودی وجود ندارد، به همین دلیل با عقب‌نشینی سردر نسبت به کوچه به‌نوعی فضای پیش ورودی و مکث قبل از ورود ایجاد شده که محرمیت ورودی خانه را تأمین می‌کند.

همچنین، سکوی دو طرف درب ورود با ایجاد حس مکث و احساس نشستن در آن مکان، افراد غریبه را به این موضوع وامی‌دارد که به‌جای ورود به خانه مقابل درب به نشستن و گفت‌وگو بپردازند (تصویر ب).

سردر بلند ورودی احساس شکوه و عظمت و فراخوانی در فرد رهگذر ایجاد می‌کند، اما از سوی دیگر ورودی خانه و ارتفاع کوتاه درب ورودی آن نسبت به سردر احساس محرمیت را به فرد القا می‌کند و به‌نوعی در فرد غریبه این حس

را به وجود می‌آورد که قبل از ورود به فضای خانه کسب اجازه کند و با احترام وارد فضا شود (تصویر ج).

در ابتدای ورودی و در فضای پیرنشین، چند پله با ارتفاع زیاد وجود دارد که سطح ورودی را پایین‌تر از سطح کوچه می‌برد و این ریتم کاهش ارتفاع تا رسیدن به فضای داخلی خانه (هشتی) ادامه پیدا می‌کند. این کاهش ارتفاع باعث محرمیت بیشتر خانه و به‌نوعی ایجاد پیش ورودی قبل از ورود به خانه می‌شود (تصویر د).



تصویر ٦: الف) کوچه اصلی خانه توکلی، ب) پلان دسترسی در خانه توکلی، ج) نمای سردر خانه توکلی، د) مقطع ورودی خانه توکلی (مأخذ: نگارندگان)

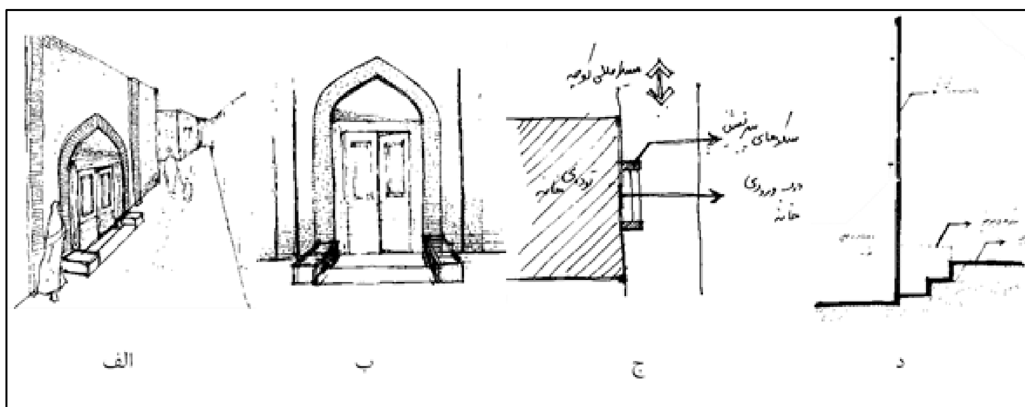
سردر خانه ناظران

در خانه ناظران، عرض معبر کم می‌باشد و همچنین ارتفاع ساختمان‌های طرفین نیز حداکثر دوطبقه می‌باشد و مقیاس انسانی در آن رعایت شده است. همچنین به دلیل باریک بودن کوچه به نسبت طول، مسیر طولی ایجاد شده که باعث حس حرکت در طول آن می‌شود (تصویر الف).

ارتفاع دیوار خانه به نسبت سردر و ورودی آن بلند می‌باشد که باعث می‌شود به آن عظمت ببخشد. دو ستون آجری در دو طرف در ورودی ایجاد شده است که در ارتفاع تا بالای بدنه خانه امتدادیافته و حس عظمت را تشدید می‌کند، اما از سویی دیگر درب ورودی و تاج بالای آن کوتاه می‌باشد و مقیاس انسانی دارد و فرد به هنگام ورود می‌بایست کمی سر خود را پایین بگیرد که این کاهش ارتفاع در درب ورودی احساس خضوع و احترام را القا می‌کند (تصویر ب).

فضای پیش ورودی در خانه‌ی ناظران، در حریم کوچه قرارگرفته است و حالت بیرون زده دارد و این موضوع باعث شده که سکوهای پیرنشین جلوی درب دیگر جنس خصوصی نداشته باشند و حالت عمومی پیدا کنند و باعث می‌شود تا نه‌تنها ساکنین خانه و مهمانان آن‌ها بلکه افراد غریبه نیز برای رفع خستگی از این فضا استفاده نمایند (تصویر ج).

پیش ورودی خانه ناظران باوجود قرارگیری در حریم کوچه، با ایجاد اختلاف ارتفاع و پایین بودن نسبت به سطح کوچه، حریم خصوصی خود را حفظ کرده است و باعث شده تا افراد به هنگام ورود به خانه با حالت خضوع و کسب اجازه وارد فضا شوند (تصویر د).



تصویر ۷: الف) کوچه اصلی خانه ناظران، ب) سردر خانه ناظران، ج) پلان دسترسی خانه ناظران، د) مقطع ورودی خانه ناظران (مأخذ: نگارندگان)

یافته‌ها بر مبنای روانشناسی گشتالت

سردر خانه داروغه

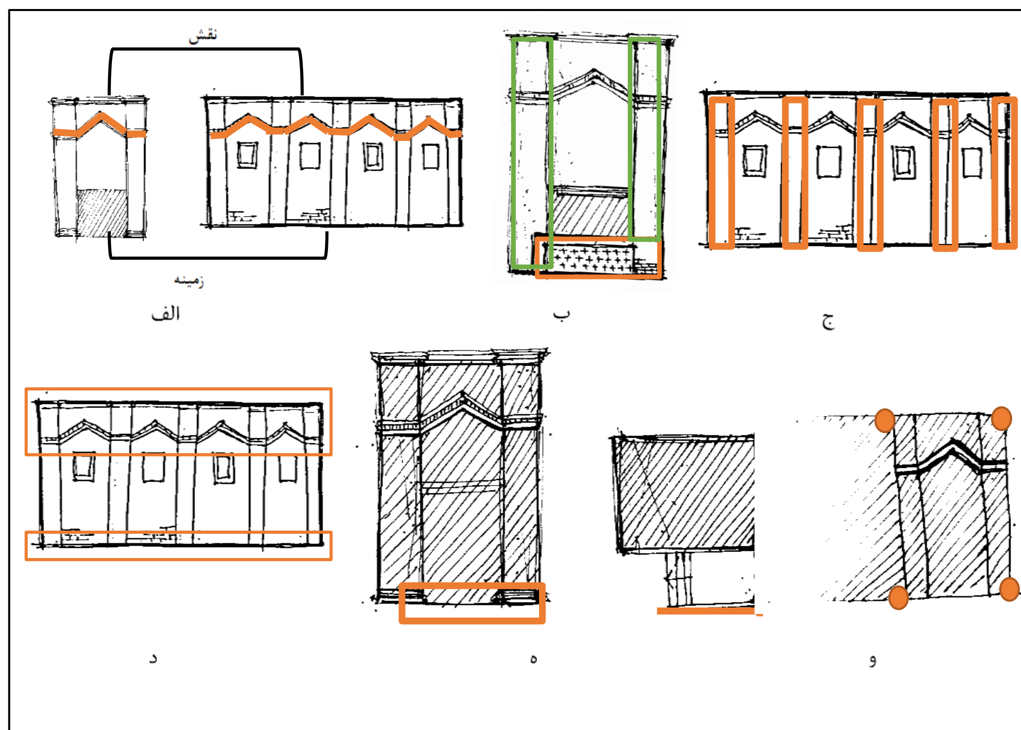
نقش و زمینه: در دو جدارهٔ نما (جدارهٔ درب ورودی و جداره‌ی رو به کوچه اصلی)، بدنه‌ی نما به‌صورت یکدست با آجر قرارگرفته که فرمی مستطیل شکل دارد و ستون‌های آجری برآمده‌ای بر روی آن تکرار شده و همچنین آجرکاری‌هایی در بالای نما (خط آسمان)، میان ستون‌ها و پای ستون‌ها وجود دارد. این دیوارهای نما که به‌صورت ساده و مستطیل شکل می‌باشند در جایگاه زمینه هستند و تزیینات آجرکاری، بالا، وسط و پایین نما در جایگاه نقش عمل می‌کنند (تصویر الف).

مجاورت: در قسمت ورودی، نرده‌های افقی پلکان ورود و تاج سردر به همراه دو ستون بلند آجری دو طرف آن در مجاورت یکدیگر قرار دارند (تصویر ب).

مشابهت: بدنه نما و تزیینات آن تماماً از جنس آجر می‌باشد که ازلحاظ متریال مشابه یکدیگرند، همچنین ستون‌های عمودی که در طول بدنه تکرار شده‌اند، یک اندازه و یک‌شکل می‌باشند که آن‌ها نیز اصل مشابهت را یادآوری می‌کنند (تصویر ج).

پیوستگی: در جداره‌های دو طرف نما تزیینات آجرکاری وجود دارد که در بالای نما (خط آسمان)، میان نما و پایین نما (پا ستون‌ها)، در طول بدنه در چرخش است و بدون آن‌که درجایی قطع شود بر روی خلل و فرج‌ها حرکت کرده است که این تزیینات دارای اصل پیوستگی می‌باشند (تصویر د). در قسمت ورودی نما و محل قرارگیری پلکان ورودی، نرده‌ها به‌صورت L بر روی دیوار حرکت کرده‌اند و دارای اصل پیوستگی می‌باشند (تصویر ه).

بستگی: دیوار اصلی بنا به‌صورت مستطیلی و پیوسته است و دو ستون دو طرف نما آن را قطع کرده‌اند اما فرد ناظر آن را مجزا از هم نمی‌پندارد و قسمت سردر به‌صورت یک مستطیل پیوسته به نظر می‌رسد (تصویر و).



تصویر ۸: الف) تزیینات جداره نما خانه داروغه، ب) نما سردر ورودی خانه داروغه، ج) نمای مقابل کوچه اصلی خانه داروغه، د) نمای مقابل کوچه خانه داروغه، ه) نما و پلان قسمت ورودی خانه داروغه، و) سردر ورودی خانه داروغه (مأخذ: نگارندگان)

تحلیل سردر خانه توکلی

سردر خانه توکلی

نقش و زمینه: سردر ورودی در خانه‌ی توکلی به‌صورت یک مستطیل عمودی وجود دارد که نقوش زیادی ازجمله، ستون‌های آجرکاری شده، کاشی‌کاری بالای قسمت ورودی، آجرکاری طاق در قسمت ورودی و مواردی دیگر می‌باشد که مستطیل اصلی سردر در جایگاه زمینه می‌باشد و تزیینات فراوانی که داخل آن قرار دارد در جایگاه نقش می‌باشد (تصویر الف).

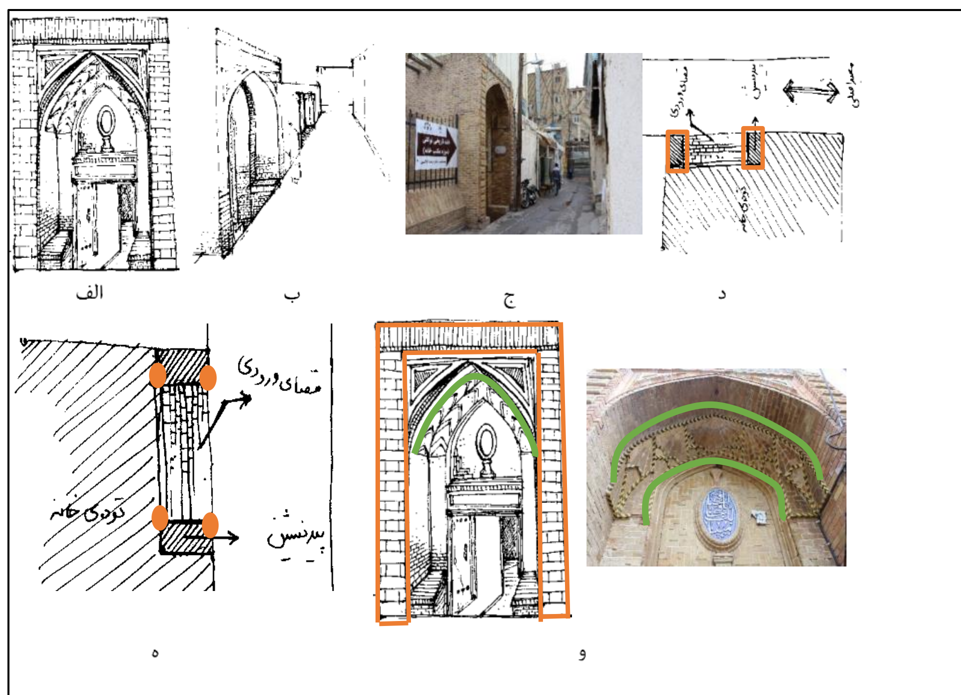
مجاورت: ورودی خانه در مجاورت فضای اطراف محله مانند مغازه و خانه‌های اطراف قرار دارد همچنین، پیرنشین‌ها نیز در مجاورت کوچه قرار دارند و از طرفی در مجاورت ورودی خانه قرارگرفته‌اند (تصویر ب).

مشابهت: بدنه بنا از جنس آجر است و رنگ و متریال بنا با ساختمان‌های مجاور آن در تشابه است و همگی از یک بافت یک متریال و یک تونالیته رنگی می‌باشند (تصویر ج).

پیرنشین‌ها به‌صورت جفت در دو طرف ورودی قرارگرفته‌اند که قرینه و مشابه یکدیگرند (تصویر د).

پیوستگی: نمایی از سردر ورودی وجود دارد که همان‌طور که نمایش داده شده است ستون‌های دو طرف از جنس آجر می‌باشند که تا بالای تاج امتداد پیدا کرده‌اند. در بالای تاج حجم افقی آجری، ستون‌ها را به هم متصل کرده است و باعث شده تا حجمی پیوسته به وجود بیاید که دورتادور فضا حرکت کرده است و دارای اصل پیوستگی می‌باشد. همچنین بزرگ‌نمایی از قسمت تاج بالای درب ورود می‌باشد و با علامت سبزرنگ مشخص شده است، تزیینات آجرکاری بالای در که از ترکیب آجر و رنگ‌های مشکی و زرد می‌باشد به‌صورت پیوسته و منحنی شکل در بالای طاق حرکت کرده است. این آجرکاری نیز دارای اصل پیوستگی می‌باشد (تصویر و).

بستگی: قسمت ورودی در عمق قرار دارد و حجم آن مشخص نیست اما چشم انسان آن را به‌صورت مستطیل می‌بیند و نقاط را به هم متصل درک می‌کند (تصویر ه).



تصویر ۹: الف) سردر خانه توکلی، ب) نمای کوچه خانه توکلی، ج) کوچه خانه توکلی، د) پلان ورودی خانه توکلی، ه) پلان ورودی خانه توکلی، و) نمای سردر خانه توکلی و تصویر بزرگنمایی آن (مأخذ: نگارندگان)

سردر خانه ناظران

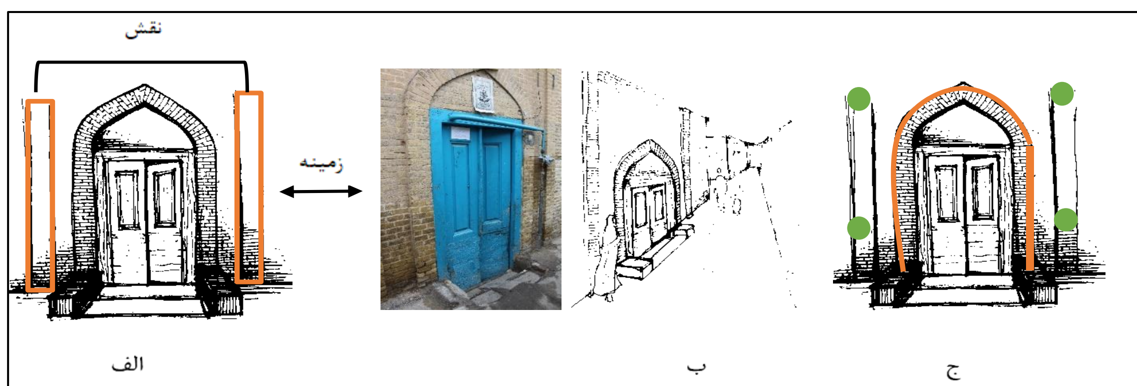
نقش و زمینه: بدنه اصلی نما به‌صورت آجری و یکدست می‌باشد. بر روی جداره‌ی ساده‌ی آجری آن خلل و فرج‌هایی از جنس آجر قرارگرفته و دو ستون بلند که در عرض دیوار تا بالا امتدادیافته را به وجود آورده است. دور تا دور درب ورود نیز دارای آجرکاری می‌باشد که در عکس زیر، نیز به چشم می‌خورد. دیواره‌ی اصلی بنا در این تصویر در جایگاه زمینه می‌باشد و ستون‌ها و تزیینات دور درب ورود، در جایگاه نقش هستند (تصویر الف).

مجاورت: پیرنشین و قسمت ورودی از سویی در مجاورت کوچه و از سویی دیگر در مجاورت ملک قرار دارند و فضای اصلی خانه نیز، در مجاورت خانه‌های اطراف و کوچه قرار دارد (تصویر ب).

مشابهت: جدارهٔ نمای خانه ناظران و تزیینات آن، همگی از جنس آجر می‌باشند و ازلحاظ مصالح مشابه‌اند. بدنه‌ی نمای این ساختمان با بدنهٔ ساختمان‌های اطراف آن مشابه است و همگی آن‌ها از جنس آجر می‌باشد. از این منظر در بافت نوعی همخوانی وجود دارد (تصویر الف).

پیوستگی: نماسازی در ورودی این خانه بسیار مختصر است و تنها آجرکاری دور درب ورودی که دور تا دور درب چرخیده است دارای پیوستگی می‌باشد (تصویر ج).

بستگی: دو ستون دو طرف نما به‌صورت ناتمام هستند و سطحی را به وجود نمی‌آورند، اما همانطور که در تصویر ج، با دایره‌های سبزرنگ مشخص‌شده، به‌صورت بصری، چشم نقاط چهار طرف آن را در یک صفحه می‌بینند و آن را مانند سطحی مستطیلی و به هم متصل می‌بینند (تصویر ج).



تصویر ۱۰: الف) درب ورودی خانه ناظران، ب) نمای کوچه خانه ناظران و مجاورت آن با خانه‌های اطراف، ج) سردرب خانه ناظران و پیوستگی اجزاء آن (مأخذ: نگارندگان)

یافته‌ها بر مبنای روانشناسی سازشمند و تبادلی

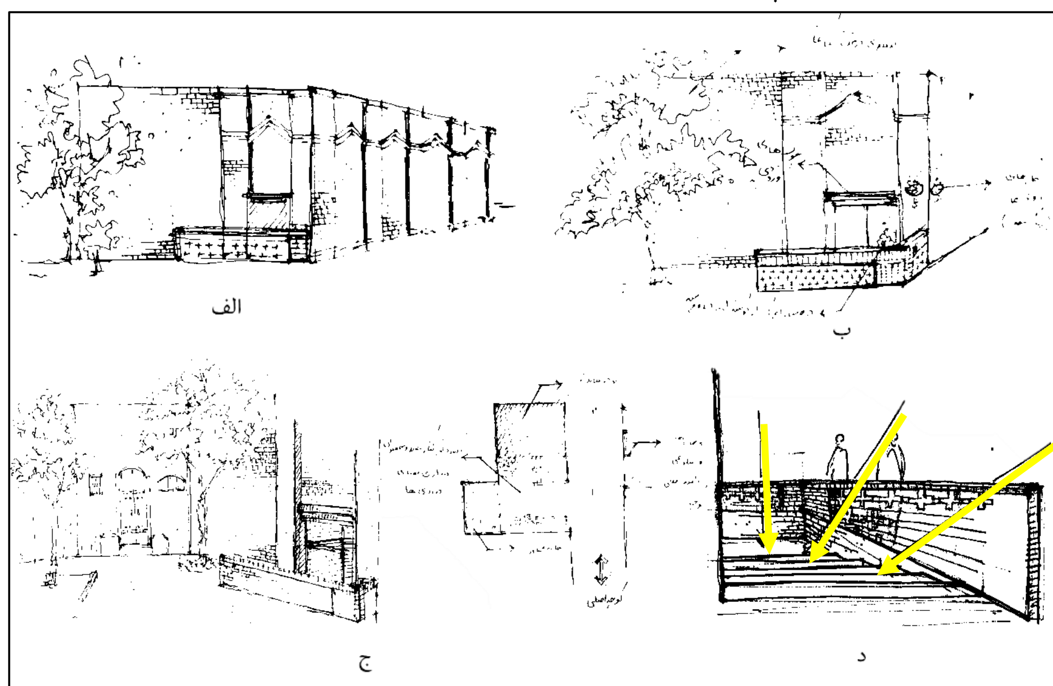
سردر خانه‌ی داروغه

رنگ‌های ثابت: نما تلفیقی از آجر (به‌صورت غالب) و چوب (به‌صورت اندک) می‌باشد که تونالیتهٔ رنگی یکسانی را ایجاد می‌کند و تضاد رنگی زیادی را ایجاد نمی‌کند، رنگی که به‌صورت غالب به چشم می‌خورد رنگ کرم و قهوه‌ای می‌باشد که جزء شاخه‌ی رنگ‌های گرم و انرژی‌بخش قرار می‌گیرد (تصویر الف).

رنگ‌های متغیر: رنگ‌های ثابت در فضا، رنگ خاکی آجرها می‌باشد اما فضا دارای رنگ‌های متغیری از قبیل سبز (درختان و برگ گیاهان)، قهوه‌ای (چوب فضای ورودی)، رنگ‌های صورتی و قرمز (گل‌های گیاهان) نیز می‌باشد (تصویر ب).

ارتباط با کوچه: درب خانه مستقیماً به کوچه اصلی باز نمی‌شود و با عقب نشستن از معبر اصلی به‌وسیله کوچه فرعی، فضای خصوصی و شخصی‌تر و دارای کاربری بیشتر همسایگی و دور از رفت‌وآمد و شلوغی تعریف‌شده که درب دو خانه در این محدوده باز می‌شود (تصویر ج).

نور و سایه: نور از بین خلل و فرج نرده‌های ورودی عبور می‌کند و سایه و روشنی را در قسمت فیلتر ورود و کوچه در ساعات مختلف روز به وجود می‌آورد (تصویر د).



تصویر ۱۱، الف) نمای کوچه اصلی و فرعی خانه داروغه، ب) نمای نزدیک از ورودی خانه داروغه، ج) پلان و پرسپکتیو خانه داروغه و نمایی از کوچه، د) نرده‌های ورودی خانه داروغه (مأخذ: نگارندگان)

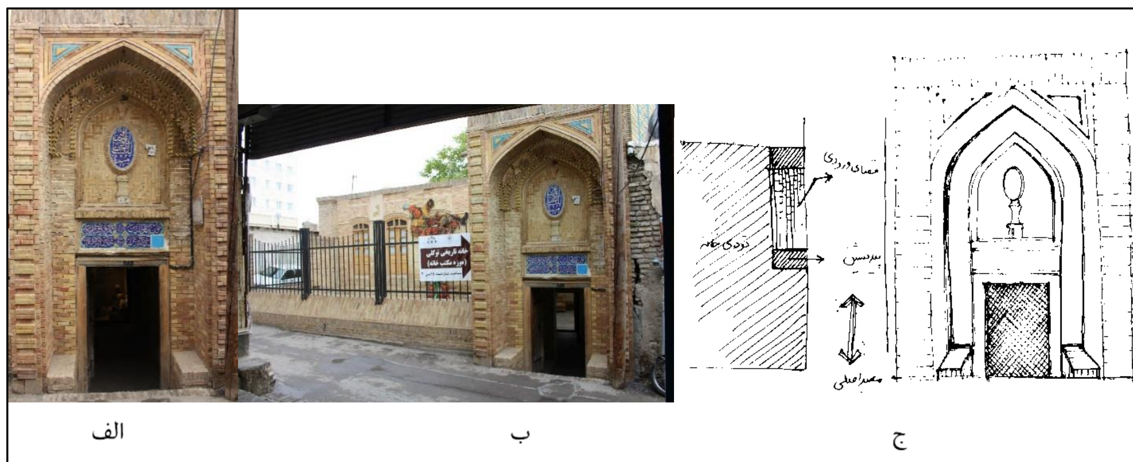
سردر خانهٔ توکلی

رنگ‌های ثابت: رنگ‌های ثابت در سردر رنگ قهوه‌ای و خاکی (رنگ آجر)، رنگ آبی (کاشی‌کاری‌های آبی بالای در و بالای سر طاق)، همچنین رنگ زرد و مشکی (آجرکاری قسمت داخلی گنبد ورودی) هستند (تصویر الف).

رنگ‌های متغیر: با توجه به بازسازی ملک و گذشت زمان و تغییر و تخریب محیط اطراف سایت، نمی‌توان رنگ‌های متغیر را موردبررسی قرار داد (تصویر ب).

ارتباط با کوچه: ارتباط با کوچه به‌صورت مستقیم و بدون واسطه و کوچه فرعی می‌باشد، تنها ایستگاه ورود به خانه پلکان و پیرنشین می‌باشد که ایستگاهی قبل از ورود به خانه می‌باشد (تصویر ج).

نور و سایه: بازی نور وجود ندارد و روشنایی و تاریکی سطح به سطح زیاد می‌شود، قسمت بیرونی سردر روشن، قسمت داخلی طاق کمی تیره و قسمت داخل خانه کاملاً تاریک می‌باشد (تصویر الف).



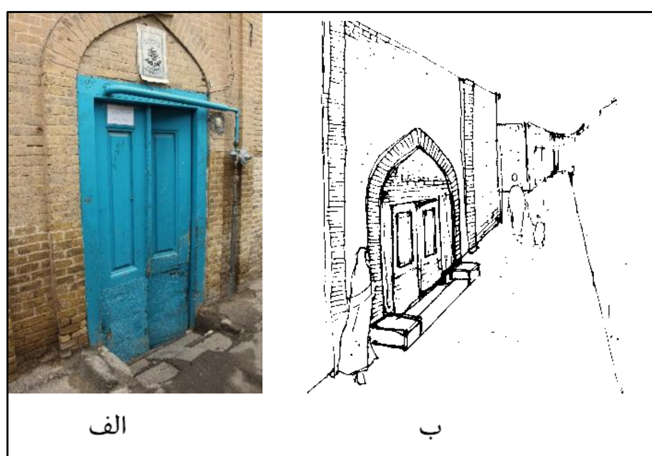
تصویر ۱۲: الف) ناظران سردر خانه توکلی و ایجاد نور و سایه در آن، ب) سردر ورودی خانه، ج) پلان و نمای سردر ورود به خانه توکلی (مأخذ: نگارندگان)

سردر خانه‌ی ناظران

رنگ‌های ثابت: رنگ‌های ثابت در فضا رنگ قهوه‌ای (آجرنما) و آبی (رنگ درب ورودی) می‌باشد (تصویر الف).

رنگ‌های متغیر: به دلیل تخریب فضا نمی‌توان رنگ‌های متغیر را شناسایی کرد.

ارتباط با کوچه: ارتباط با کوچه به‌صورت مستقیم و بدون واسطه و کوچه فرعی می‌باشد، تنها ایستگاه ورود به خانه پلکان و پیرنشین می‌باشد که ایستگاهی قبل از ورود به خانه است (تصویر ب).



تصویر ۱۲: الف) سر درب ورودی خانه ناظران، ب) نمایی از کوچه خانه توکلی و ارتباط آن با فضای داخلی (مأخذ: نگارندگان).

بحث

بر مبنای مجموع یافته‌های تحقیق، نتایج حاصل از خلاصه مباحث تحلیل روانشناسانه سردر خانه‌های منتخب را می‌توان در قالب جدول ۳ ارائه نمود.

جدول ۳: جمع‌بندی نظریه‌های ادراک و روانشناسی محیط در زمینه سردر (مأخذ: نگارندگان)

مکتب روانشناسی	مؤلفه‌های تحلیل	خانه داروغه	خانه توکلی	خانه ناظران
روانشناسی رفتارگرا	محرمیت ورودی	جدایی مسیر کوچه از ورودی با کوچه‌ای فرعی و پیش ورودی	جدایی مسیر کوچه از ورودی با فرورفتگی سردر	پیش ورودی جزئی از کوچه و محرمیت با پیرنشین و پلکان
	ایجاد توقف (حس توقف)	دو توقف به دلیل انحراف ورودی در دو جهت (محرمیت بیشتر)	توقف در جلوی خانه و در فرورفتگی آن	توقف در جلوی خانه و در پیرنشین
	اختلاف ارتفاع ورودی (سلسله‌مراتب ورود)	ایجاد اختلاف ارتفاع زیاد از کوچه به‌پیش ورودی (۵ پله)	ایجاد اختلاف ارتفاع متوسط از کوچه به ورودی (۲ پله)	ایجاد اختلاف ارتفاع متوسط از کوچه به ورودی (۲ پله)
روانشناسی گشتالت	نقش و زمینه	بدنه اصلی در جایگاه زمینه (زمینه وسیع) و تزیینات کمی در بالا و پایین ستون و خطوط افقی بر روی نما در جایگاه نقش (نقش کم)	(زمینه کم)، تزیینات بسیار زیاد (نقش زیاد)	بدنه اصلی در جایگاه زمینه (زمینه گسترده و زیاد)، دو ستون آجری و آجرکاری محدود دور درب در جایگاه نقش (نقش بسیار کم)
	مجاورت	مجموعه‌ی غیر منسجم و در سطوح متفاوت	مجموعه منسجم و همگی در یک سطح.	مجموعه منسجم و همگی در یک سطح
	مشابهت	مشابهت‌های زیاد اشیاء و محیط اطراف	مشابهت‌های زیاد اشیاء و محیط اطراف	مشابهت‌های زیاد اشیاء و محیط اطراف
	پیوستگی	بازی با صفحات (صفحات و حجم‌های پیوسته زیاد)	سطوح دارای پیوستگی به‌اندازه محدود	سطوح دارای پیوستگی به‌اندازه محدود
	بستگی	در سطح.	در سطح.	در عمق (در پرسپکتیو)
روانشناسی تبادلی و سازشمند	رنگ‌های ثابت	آجر به رنگ خاکی و قهوه‌ای	آجر به رنگ قهوه‌ای کاشی‌کاری به رنگ آبی. آجرکاری به رنگ زرد و مشکی	آجرکاری قهوه‌ای درب آبی
	رنگ‌های متغیر	رنگ‌های سبز و قرمزرنگ گیاهان داخل و بیرون خانه	عدم شناسایی رنگ‌های متغیر.	عدم شناسایی رنگ‌های متغیر
	ارتباط با کوچه	ارتباط با کوچه به‌صورت غیرمستقیم (وجود کوچه فرعی)	ارتباط با کوچه اصلی به‌صورت مستقیم (عدم وجود کوچه فرعی)	ارتباط با کوچه اصلی به‌صورت مستقیم (عدم وجود کوچه فرعی)
	نور و سایه	دارای بازی نور در فضا ایجاد فضاهای تاریک متوسط در سطح نما	عدم وجود بازی نور ایجاد سایه و روشن زیاد در سطح نما	عدم وجود بازی نور ایجاد سایه و روشن کم در سطح نما

بر مبنای این جدول می‌توان گفت که در سردر ورودی خانه داروغه، محرمیت زیاد و عدم جلب‌توجه برای افراد غریبه، ملاک طراحی بوده است. این خواسته با به کار بردن تزییناتی متوسط و منسجم و ایجاد فضایی دلنشین و امن برای جمع شدن و صحبت کردن با استفاده از عقب‌نشینی در معبر اصلی تأمین شده است. در خانه توکلی نیز نوعی محرمیت با استفاده از تکنیک جدایی طاق و پیرنشین از سطح کوچه و ایجاد تزیینات زیاد در حجمی کم و عدم وجود تجمع در جلوی درب به دلیل عقب‌نشینی از معبر و عرض کم آن به وجود آمده است. همچنین در خانه ناظران ورودی از جنس کوچه می‌باشد و بسیار عمومی‌تر از دو خانه دیگر است. تزیینات کم این خانه نیز احساس صمیمت بیشتری ایجاد می‌کند و به دلیل قرارگیری پیرنشین در فضای کوچه بسیار بیشتر با مردم و محیط درگیر می‌باشد.

محیط اطراف ما تأثیر بسزایی بر احساس و رفتار ما دارد (شمس اسفندآباد، ۱۳۹۳: ۵). تحلیل خانه‌ها نشان می‌دهد که در قسمت سردر خانه‌ها، فضای سلسله‌مراتب رسیدن به ورودی بسیار مهم می‌باشد و هرکدام از آن‌ها به نحوی این سلسله‌مراتب و محرمیت را در فضای خود ایجاد کردند، بعضی‌ها با جداسازی کردن مسیرهای اصلی خانه‌ها از قسمت ورود و بعضی با ایجاد اختلاف ارتفاع این محرمیت را انجام می‌داده‌اند.

در نظریه گشتالت، با تحلیل صفحات مختلف در فضا و نحوه قرارگیری آن‌ها که آیا در مجاورت هم می‌باشند، در شباهت یکدیگر قرار دارند و یا چه تزییناتی و چگونه در آن به وجود می‌آید، می‌توان متوجه حس سبکی و سنگینی فضا شد. از برآیند استدلال‌های گشتالت می‌توان این‌طور برداشت کرد که در سر در ورودی صفحات در حرکت و دارای تزئینات زیادی هستند. همچنین این صفحات نوعی سیالیت در خود به وجود می‌آورند که جذابیت لازم را به خانه می‌بخشد، اما درعین‌حال همه احجام در یک سطح هستند و شلوغی بصری ازلحاظ حجم به وجود نیامده است.

روانشناسی سازشمند تجربهٔ انسان از محیط و ارتباط متقابل انسان و پیرامونش را مبنا قرار داده است (مطلبی، ۱۳۸۰: ۵۶). از این‌رو، در روانشناسی تبادلی رنگ و نور در فضا، تأثیر رنگ بدنه و همچنین رنگ‌های موجود در بنا که قابل‌تغییر و قابل‌انعطاف هستند موردبررسی قرار می‌گیرد. در قسمت سردر، از رنگ‌های گرم و صمیمی استفاده شده است و در قسمت‌های بسیار کمی از رنگ‌های آبی که باعث حس آرامش بخشی در فضا می‌شوند استفاده شده است. درحالی‌که این منظر مکانی زیبا برای دعوت به وجود می‌آورد سبب می‌شود تا فضایی آرامش‌بخش در بافت کوچه نیز مشاهده شود. این همخوانی در تمام خانه‌ها به نحوی است که مانند آهنگی گوش‌نواز در یک کوچه به‌صورت مرتب تکرار می‌شود.

نتایج فوق را می‌توان به‌صورت خلاصه در جدول ۴ مشاهده نمود.

جدول ۴: خلاصه نتایج حاصل از تحلیل بر مبنای مکاتب روانشناسی

روانشناسی رفتارگرا	محرمیت ورودی	وجود محرمیت برای ورود به حریم اصلی خانه
	ایجاد توقف (حس توقف)	وجود توقف و مکث به هنگام ورود به حریم اصلی خانه
	اختلاف ارتفاع ورودی (سلسله‌مراتب ورود)	ایجاد اختلاف ارتفاع برای افزایش احترام و محرمیت
روانشناسی گشتالت	نقش و زمینه	ایجاد تزیینات بر روی سردر متناسب با خواسته‌ی ساکنین
	مجاورت	دوری از اختلاف حجمی زیاد و شلوغی در احجام
	مشابهت	یکدست بودن بافت و رنگ کلی سردر خانه‌ها
	پیوستگی	دارای سیالیت و پویایی در نما در عین انسجام
	بستگی	عدم وجود احساس ابهام در فضا
روانشناسی تبادلی و سازشمند	رنگ‌های ثابت	رنگ غالب، خانواده قهوه‌ای و عدم زیاده‌گویی در استفاده از رنگ‌ها
	رنگ‌های متغیر	رنگ بخشیدن به فضا به‌وسیلهٔ رنگ‌های طبیعت (گیاهان)
	ارتباط با کوچه	وجود حداقل یک ارتباط مستقیم با کوچه
	نور و سایه	استفاده از نورپردازی طبیعی و زیباسازی نما با عقب و جلو کردن تزیینات و سایه‌اندازی نور خورشید بر آن‌ها

نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی مطالب فوق اینگونه برداشت می‌شود که فضای سردر به‌عنوان اولین فضایی که مخاطب مواجه می‌شود، در خانه‌های سنتی محرمیتی نسبی داشته است. ایجاد محرمیت از طریق پنهان کردن بخشی از ورودی، انحراف دادن مسیر حرکت و یا ایجاد اختلاف ارتفاع قسمت مکث صورت می‌گیرد. بااین‌وجود، ورودی برای شخص، به دور از سردرگمی و پیچیدگی است و فردی که قصد ورود به فضا را دارد دچار سردرگمی برای رسیدن به ورودی نمی‌شود. همچنین در این سردرها بحث زیبایی موردتوجه می‌باشد که به‌وسیله تزئینات آجرکاری و یا اختلاف سطح‌ها و کاشی‌کاری‌های رنگی به فضای جلوه می‌بخشند. درعین‌حال، این تزئینات به نحوی نیست که سطح زیادی را اشغال کند و یا دید را به‌اشتباه بیندازد. این تزیینات یا به‌صورت پراکنده می‌باشد و یا در صورت زیاد بودن، متمرکز بوده و سطح کمی را اشغال می‌نماید و به‌صورت کلی همخوانی خود را با بافت کوچه رعایت می‌کند. شایان‌ذکر است، در این پژوهش به دلیل گستردگی مطالب تنها بخش سردر ورودی موردبررسی قرارگرفته است و بهتر آن است که در تحقیقات پیش رو فضاهای دیگر معماری به‌ویژه در خانه‌های سنتی که ابعاد غیر مکشوف زیادی دارند از نظر مکاتب روانشناسی بررسی و مقایسه شوند تا بتوان به جمع‌بندی جامع‌تری از تأثیرات روانشناسی هندسه و احجام معماری دست‌یافت.

فهرست منابع

۱. اردلان، نادر؛ ولاله بختیار. (۱۳۸۰). ***حی وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی***. تهران: خاک.

۲. اردلان، نادر؛ ولاله بختیار. (۱۳۷۹). ***حس وحدت***. تهران: خاک.

۳. ایمانی، الناز؛ و مازیار آصفی. (۱۳۹۳). «ریشه‌یابی و شناخت عوامل دگرگون‌ساز روح معماری گذشته ایران در گذر زمان اصالت گذشته تازگی اکنون». ***هویت شهر***. (شماره ۸)، ۶۳-۷۶.

۴. آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲). ***محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام***. ترجمه علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۵. الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸٦). ***معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن***. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

٦. امامقلی، عقیل؛ و همکاران. (۱۳۹۱).«روان‌شناسی محیطی». ***علوم رفتاری (ابهر)***. (شماره ۱۴)، ۲۳-۴۴.

۷. بزرگمهری، زهره. (۱۳۸۵). هندسه در معماری. سازمان میراث فرهنگی کشور: سبحان نور.

۸. پور احمدی، مجتبی؛ و همکاران. (۱۳۹۰). «نسبت طول به عرض حیاط و اتاق‌ها در خانه‌های سنتی یزد». ***هنرهای زیبا***. (شماره ۴۷)، ٦۰-۷۷.

۹. پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۹). ***سبک‌شناسی معماری ایرانی***. تهران: سروش دانش.

۱۰. جلیلی، محمد. (۱۳۸۹). «مروری تحلیلی بر مفهوم محیط در ادبیات روانشناسی محیط؛ ماهیت محیط». ***منظر***. (شماره ۱۲)، ۲۸-۳۱.

۱۱. شمس اسفندآباد، حسن. (۱۳۹۳). ***روانشناسی محیط***. سازمان چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف و امور خیریه.

۱۲. شاپوریان، رضا. (۱۳۸٦). ***اصول کلی روانشناسی گشتالت***. تهران: جوانه رشد.

۱۳. مطالبی، قاسم. (۱۳۸۰). «روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری». ***هنرهای زیبا***. (شماره ۱۰)، ۵۲-٦۷.

۱۴. مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۰). ***روانشناسی محیط***. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۱۵. مک اندرو، فرانسیس تی. (۱۳۸۷). ***روانشناسی محیطی***. ترجمه غلامرضا محمودی. تهران: زرباف اصل.

۱٦. مولوی، بهزاد. (۱۳۸۱). ***بررسی کاربرد هندسه در معماری گذشته ایران (دوره اسلامی)***. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

۱۷. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). ***مبانی نظری معماری***. تهران: دانشگاه پیام نور.

۱۸. نوایی، کامبیز؛ و کامبیز حاجی قاسمی. (۱۳۹۰). ***خشت و خیال***. تهران: سروش.

۱۹. هاشمی‌فشارکی، سید جواد. (۱۳۹٦). مبانی نظری معماری. وانیا.